



بازخوانی سبک زندگی امام رضا (علیه السلام)

با رویکرد روان‌شناختی اریکسون

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۹

مسعود آذربایجانی^۱، سید محمد رضا لواسانی^۲

چکیده

سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) که از موضوعات پربسامد پژوهش‌های کنونی است، بیشتر با جنبه‌های خانوادگی، اجتماعی، کلامی و تربیت دینی عجین بوده و از رویکردهای روان‌شناختی و روش‌های متناسب آن بهره‌ای نداشته است تا بتواند تندیس جامع‌تری از شخصیت متعالی ایشان ترسیم کند؛ آنها با انگیزه‌های فرزاندگی، جایگاه عاطفی-معنوی و امتیازهای ایشان در میان ائمه (علیهم‌السلام)، احیاء و تبیین فرهنگ رضوی و رأفت حسی نشر یافته‌اند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا از پژوهش‌های سبک زندگی رضوی تحلیلی روان‌شناختی بر اساس دیدگاه «گستره عمر» اریکسون ارائه دهد. نخستین هدف نگارش نهادینه کردن جوهره سبک زندگی رضوی در ظهورات فردی و اجتماعی، دوم؛ نمایش، طبقه‌بندی و ارتقای دینی عمومی در سطوح فرهنگ عملی و نظری و سوم، تحلیل روان‌شناختی نتایج پژوهش است.

روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای - اسنادی و با رویکرد کیفی و روش تحلیل روانی-تاریخی اریکسون پژوهش صورت گرفته، بعد از استخراج مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی و فردی تحلیل شخصیت اریکسون، ویژگی‌های سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) از اسناد برساخته و مطابق مؤلفه‌های یادشده دسته‌بندی شدند. حاصل پژوهش این است که مصادیق هویت ایشان بازتاب باورها، ارزش‌ها و دانش‌های کاربردی و نمادهای رفتار عملی بوده و اساس هویت‌های دینی، معنوی، اخلاقی-اجتماعی و ذهنی است و قابلیت الگوبرداری همگانی دارد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، سبک زندگی رضوی، تحلیل روان‌شناختی، هویت، اریک اریکسون.

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: mazarbayerjani110@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول): lavasani.seyedmohamadrez@ur.ac.ir

مقدمه

این پژوهش قصد دارد سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) را با روش تحلیل روانی-تاریخی اریکسون بررسی و مطالعه کند. نگارش مقالات علمی-پژوهشی درباره سبک زندگی عمدتاً در قالب معارف قرآن و سنت بوده و در بسترهای تاریخی، کلامی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و برخی با نگاه روان‌شناسی کاربردی سامان یافته‌اند. بیشتر آن‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و از رویکردهای کیفی و کمی و یا ترکیبی بهره برده‌اند، برخی از پژوهش‌ها نیز میدانی بوده است و تعدادی انگشت‌شمار حول سبک زندگی شخصیت‌های دینی پژوهیده شده که سبک زندگی فاطمی و رضوی را می‌توان نام برد. این پیشینه به اختصار عبارت است از: سبک زندگی خانوادگی (شریفی و لطفی قادیکلائی، ۱۳۹۷)؛ تحلیل کارکردها و نهادینه کردن سبک زندگی (خدیمی، ۱۳۹۳؛ درینی، نامدار جویمی، تابان و ویسه، ۱۳۹۴)؛ سبک زندگی از منظر سیاسی (احمدنژاد، حاجی اسماعیلی و محمدزاده، ۱۳۹۴)؛ سبک زندگی و روان‌شناسی کاربردی (آذربایجانی، ۱۳۹۵)؛ بررسی و تحلیل سبک زندگی شخصیت‌های دینی (رجبی و مطهری، ۱۳۹۴؛ قریشی کرین، فاضل قانع، فروهی، ۱۳۹۴؛ اخوان ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۴؛ ایروانی، ۱۳۹۴؛ جانی‌پور و سروری‌مجد، ۱۳۹۳؛ حسین‌پور، بلالی اسکویی و کی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ ابراهیمی، طهماسبی بلداجی، مرتضوی و قنبری، ۱۳۹۴)؛ تبیین سبک زندگی اسلامی بر اساس قرآن و سنت؛ (شریعتی، ۱۳۹۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴؛ کافی، ۱۳۹۶).

با تحلیل موضوعات و عنوان‌های گذشته و همسو با هدف پژوهش حاضر روشن می‌شود نویسندگان این آثار با هدف احیا و تبیین فرهنگ رضوی، از راه بیان سبک زندگی ایشان به چپستی و چگونگی آن واقف شده‌اند. به بیان دقیق‌تر، پژوهش آنان بررسی راه کارهای ایجاد و تداوم سبک زندگی و تأثیرات آن در روابط اجتماعی، شیوه‌های تربیتی و رسیدن به آرامش روانی، پرداختن به برخی از مصادیق فروع دین، بهره‌مندی از تفریح سالم بر اساس مطالعه سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) بوده که نتیجه پرداختن به چپستی و چگونگی سبک زندگی است (حسین‌پور، بلالی اسکویی و کی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ ابراهیمی، طهماسبی

بلداجی، مرتضوی و قنبری، ۱۳۹۴؛ ایروانی، ۱۳۹۴؛ درینی، نامدار جویمی، تابان و ویسه، ۱۳۹۴؛ قریشی کرین، فاضل قانع، فروهی، ۱۳۹۴؛ جانی‌پور و سروری‌مجد، ۱۳۹۳؛ اخوان ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۴). مسئله مشترک در این پژوهش‌ها، بیان سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) است با این تفاوت که تمرکز این پژوهش‌ها بر موارد گفته‌شده است و طبیعتاً دانش کافی را در مسائل مختلف سبک زندگی پوشش نداده‌اند و از سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) نیز تحلیل روان‌شناختی ارائه نکرده‌اند، به‌ویژه در هیچ‌یک از مطالعات یاد شده از نظریه اریکسون برای انجام این تحلیل‌ها استفاده نشده است. به همین دلیل، این مطالعات دانشی کاربردی و طبقه‌بندی شده درباره سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) را که برای عموم مردم قابل بهره‌برداری باشد، ارائه نمی‌دهند. به بیان نلسون، نظریه اریکسون بینش‌های ارزشمندی را عرضه می‌کند که برای درک مسائلی در زمینه رشد معنوی و دینی به کار می‌آیند و می‌توانند به عنوان الگویی برای فهم مراحل و وظایف رشد معنوی به کار گرفته شوند (Nelson, 2009: 165).

نوآوری پیش‌رو با بهره‌گیری از نظریه گستره عمر اریکسون، بینش عمیقی در زمینه رشد معنوی و دینی و ابعاد هویتی ایجاد کرده، سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) را به روش تحلیل روانی-تاریخی بازخوانی می‌کند که در طی آن، شخصیت مطلوب و منحصر به فرد و وقایع مهم زندگی فرد با ارزیابی متعادلانه و متناسب واکاوی شده، رویدادهای آن زندگی را از روزنه دید خود او می‌نگرد. رویکرد اریکسون در تحلیل شخصیت، رویکردی عرفی است و علی‌الاصول با شخصیت انسان کاملی چون امام رضا (علیه السلام) که از دو سرچشمه تعالی علم و عصمت الهی بار می‌یابند، چندان قابل تطبیق به نظر نمی‌رسد؛ اما این پژوهش کوشیده است تا مشترکات و تمایزهای رویکرد اریکسون در تحلیل روان‌شناختی سبک زندگی ایشان را در حد امکان بررسی و واکاوی کند. به بیان دیگر، روش‌های پیشین قابلیت تولید چنین نتیجه و بازخوردی را ندارند. علاوه بر اینها، تاکنون سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) با رویکرد و روش روان‌شناختی بررسی و بازخوانی نشده است. اهمیت جایگاه رفیع امام رضا (علیه السلام) و سبک زندگی رضوی تا آنجاست که با وجود انبوهی از جستارهای علمی در این باره، سیر پژوهش‌ها درباره آن امام همام همچنان ادامه دارد. علاوه بر شأن و منزلت

مقام امامت، احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) انگیزه‌ای دیگر است که آن امام رؤف بارش رحمت الهی را برای محیی آن از درگاه حیّ متعالی فرامی‌خواند و طریق آن را فرا گرفتن دانش‌های ایشان و انتقال آن به دیگران معرفی می‌کند و راهی برای تبعیت دینی مردمان می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۳۰۷)، از این‌رو، صمیمت، ارتباط قلبی و مجاورت مکانی، فضایی آکنده از معنویت را برای خلق چنین آثار ماندگاری تقویت کرده است. دانش سبک زندگی با ساحت‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی درهم تنیده و مفاهیم نوین آن بر رفتارها و کارکردهای متفاوت احاطه دارد، «آدلر» در میان روان‌شناسان و «ماکس وبر» در میان جامعه‌شناسان گوی سبقت را از دیگران ربوده، حضور پررنگ‌تری دارند. بسط دانش، ارائه راه حل برای مسائل واقعی و کمک به توسعه مفهوم گسترده «سبک زندگی» طریق خویش را می‌پوید و کارآزمودگان گوناگونی کوشیده‌اند به آن رنگ عمل ببوشانند.

ویژگی مبنایی موضوع این پژوهش که دربردارنده مجموعه‌ای از مفاهیم نظیر شخصیت، ذهن، جامعه، محیط، وراثت و رفتار و کارکردهای انسانی است، سرگذشت‌ها و اتفاق‌های جزئی زندگانی بشری را دربرمی‌گیرد. ضرورت پژوهش آنکه نگرش این اثر از دریچه نظریه اریکسون، مخاطب را قادر می‌سازد از دیدگاهی نوهویتی‌های مثبت را در پرتو معارف رضوی بنگرد و بینش جدیدی را پس از تبیین چکیده‌ای از سیره امام (علیه السلام) و تطبیق آن با مناسبات سبک زندگی امروزه به ارمغان آورد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر بر این محور استوار است که از سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) چه تحلیل روان‌شناختی را می‌توان بر اساس نظریه اریک اریکسون ارائه کرد؟ آنچه از رهگذر این دانایی حاصل می‌شود ما را قادر می‌سازد تا حدّ توان الگوهای رفتاری حضرتش را بعد از انطباق با روحیات و خلیات خود بیاموزیم و عمل کنیم. سپس در مرحله دوم در محیط خانوادگی و اجتماعی به افراد خانواده و جامعه پیرامونی، آن محاسن را منتقل کنیم تا دانستن رهنمودها و علل و حکمت‌های رفتاری، کارکردها و آثار بهتری را در ارتباطات و مجموعاً سبک زندگی فردی و اجتماعی شاهد باشیم، حتی بتوان بسیاری از مفاهیم و آداب را از ورطه عدم درآورد و هستی و معنا بخشید.

۱. روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی است و پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل روانی - تاریخی انجام شده است. بدین منظور، نخست شاخص‌ها و مؤلفه‌های ارائه‌شده در نظریه گستره عمر اریکسون برای تحلیل روان‌شناختی شخصیت استخراج شد. این روش در اصل بررسی‌های زندگی‌نامه‌ای است که وی از چارچوب نظریه شخصیت خود برای توصیف بحران‌ها و روش‌های مقابله کردن شخصیت‌های مهم سیاسی، مذهبی و ادبی مانند مهاتما گاندی، مارتین لوتر و جورج برنارد شاو، استفاده کرد. این بررسی‌ها معمولاً روی بحرانی مهم تمرکز دارند؛ رویدادی که بیانگر موضوع مهم زندگی است و فعالیت‌های گذشته، حال و آینده را یکپارچه می‌کند. اریکسون با استفاده از روشی که آن را «ذهن‌گرایی منضبط» نامید، دیدگاه آزمودنی را به عنوان دیدگاه خودش می‌پذیرفت و رویدادهای زندگی را از زاویه دید آن فرد ارزیابی می‌کرد (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۶۹؛ Zock, 1990: 118؛ Capps, 1996: 93-115). در مرحله بعدی، از میان پژوهش‌های صورت‌گرفته با موضوع سبک زندگی رضوی و با حفظ جوانب مربوط به شئون امامت، سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) از نظرگاه اریکسون تطبیق و بازخوانی شد.

نخستین گام برای رسیدن به مطلوب، ارائه تصویری تحلیلی از سهم پژوهش‌های گذشته در توسعه دانش موضوعی و روش‌شناختی سبک زندگی بود تا از رهگذر آن گسست پژوهشی مشخص شود. چاره کار برای یافتن این پژوهش‌ها جستجوی واژه «سبک زندگی» یا رصد «روش رفتاری» بود. همچنین عبارت‌هایی نظیر «روش اخلاقی»، روش تربیتی، روش مناظرات، روش سیاسی و فکری، روش تبلیغی» که مبین سبک، شیوه و روش رفتاری است، می‌توانست برای نتایج بهتر کمک کند. گام دوم با بررسی بیش از شصت مقاله علمی - پژوهشی درباره سبک زندگی اسلامی و یا سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) آغاز شد و سیزده مقاله مرتبط با سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) انتخاب گردید. با مطالعه مجموعه بیش از سی حکایت تاریخی و روایی معتبر، مشهور و مستند درباره امام رضا (علیه السلام) در نهایت مؤلفه‌هایی که نماد رفتار و عملکرد ایشان بودند، کدگذاری شد که برخی از آنها با وجود

تفاوت مسئله و هدف پژوهش، مشترک بودند. آنگاه در قدم آخر، مصادیق رفتاری ایشان با ابعاد نظریه اریکسون از روی کدها و تحلیل‌های پژوهشی مرتبط با سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) تطبیق داده شد و پس از بازخوانی و طبقه‌بندی تحریر شدند و انتزاعات عقلی آن از جهات باور، ارزش و دانش در ردیف فرهنگ نظری جای گرفتند.

برای درک بهتر روش پژوهش، علاوه بر ارجاع به جدول ۴-۱، شاهی از رویکرد دوم (هویت معنوی)، شماره ۴ ارائه می‌شود؛ هنگامی که امام رضا (علیه السلام) به حمای در نیشابور عزیمت کرده بودند، مردی برای استحمام نیز حضور داشت، لکن امام (علیه السلام) را تا آن روز ندیده بود و نمی‌شناخت. سپس مطالبه دلاک کرد، چون غیر از او و ایشان کسی در آنجا نبود، امام (علیه السلام) بدون هیچ سخنی این امر را خالصانه انجام دادند، علماء شهر برای دیدار امام (علیه السلام) به این حمام آمدند. مرد وقتی به واسطه معرفی دیگران متوجه آن مقام رفیع شد، با خجالت و شرمساری عذر خواست، اما حضرتش تقاضا کرد کار را به پایان رساند و الا ناراحتی امام (علیه السلام) را موجب می‌شد (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۶۲). این حکایت فراتر از یک توصیف عادی است که مصداقی از ملکه تواضع، فروتنی، اخلاص، مردم‌داری و مهربانی و عطوفت است، حتی وفاداری به آنچه وظیفه نیست، در آن مشهود است. از این‌رو، تواضع و مردم‌داری نماد عملی رفتار علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است و اندیشه دوستی با مردم (نوع دوستی)، مسئولیت‌پذیری توأم با وفاداری و همدلی از باورها و ارزش‌های آن امام همام نشأت می‌گیرد که حاکی از فرهنگ نظری و الگوی عملی و اخلاقی برای مسئولان و کارگزاران در نفی هر گونه فرادستی و فرودستی است. متناظر هر نماد عملی در ستون فرهنگ عملی، ارزش، باور و دانش مرتبط با آن نیز در ستون فرهنگ نظری درج شده و هر کدام شماره متناظر خود را دارد. این تجربه حسی حکایتی است واقعی و قطره‌ای از دریای اخلاق و کرامت امام رضا (علیه السلام) که اگر اسوه همگانی شود، ارتقای دینی-ایمانی و اخلاقی را در اظهر ظهورات فردی و اجتماعی به دنبال دارد.

از منظر روش شناختی، این اثر نسبت به سایر پژوهش‌ها متفاوت می‌نماید زیرا مهم‌ترین هدف آن بررسی روان‌شناختی است تا بتواند از رهگذر مطالعات تاریخی-دینی و با نگاه روان‌شناختی به حقیقتی متعالی و مقدس بنگرد و زوایای پنهان و نیمه‌پنهان دیگری

را آشکار نماید. در روش‌شناسی مطالعات ادیان آورده‌اند: بررسی ساختار اندیشه‌ها که رهیافت، رویکرد و جریان‌های فکری است، جنبه فردی دارد. از این‌رو، این روش‌شناسی ادیانی، مبتنی بر افراد برجسته و خاصی است که عظمت فکری‌شان را جهان جدید ارج می‌نهد. این روش عهده‌دار تشخیص شیوه‌ها و رهیافت‌های اندیشه جدید در حوزه دین است که با دوران گذشته تمایز دارد. از این‌رو، نگاه از بالا به دین یک تحول محسوس روش‌شناختی را نشان می‌دهد (وبگاه دبیرخانه دین‌پژوهان کشور، ۱۳۹۷: ۱-۲). همچنان که در انواع تجربه‌های دینی^۱ بر احساسات، ادراک حسی، رویکرد فراطبیعی، ارتباطی عاطفی با خداوند و سرشار از عواطف و هیجان تأکید می‌شود، همواره نوعی دیدن و لقای خداوند با شعور باطنی است و نتیجه‌اش ایمان به خداوند خواهد بود. حضور خداوند یا حقیقتی متعالی و روحانی حضور پررنگ داشته و ادراک آن به مثابه صور محسوسات است و درک‌کننده آن احساسی نزدیک و عاطفی برقرار می‌کند و خود را مشحون از لطف و رحمت الهی می‌بیند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۴).

چرایی پرداختن به مبحث سبک زندگی در لابه‌لای مطالب نویسندگان کتاب‌ها و مقالات به صورت ضمنی اشاره شده است. روان‌شناس برجسته «ویلیام جیمز» درباره ویژگی‌های مهم رهبران دینی در اثر سترگ خود به انگیزه مهم‌تری اشاره می‌کند که می‌تواند قانع‌کننده‌تر باشد به اینکه هدف از حیات دینی انسان‌سازی است، دین فردی از جانب دیگران ساخته می‌شود، از راه سنت به او منتقل می‌شود و بر اساس عادات در او نهادینه و حفظ می‌شود، الگوی اصلی این اعمال تقلیدی و احساساتی که بیان می‌شوند، تجربه‌هایی اساسی هستند. این تجربه‌های دینی به شکل هیجان قوی در کسانی یافت می‌شود که در مسیر زندگانی خود نابغه‌اند و این نبوغ، آنان را در زندگانی‌شان ماندگار کرده است (James, 2002: 11-12). اتفاقاً روشی که «ویلیام جیمز» از آن در روان‌شناسی دین و مطالعات پدیده‌های دینداری خود بهره می‌برد، بیشتر بر پژوهش‌های کیفی استوار است و بر شیوه‌هایی مانند درون‌نگری، مطالعه موردی، مطالعه زنجیره‌ای، مطالعه مقایسه‌ای و اسناد فردی تأکید دارد و عصاره آن همان روش پدیدارشناسی است که عمق

1. Religious Experience.

و غنای موردپژوهی‌های کیفی را مکمل دستاوردهای آماری می‌داند (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۶۲).

بنابراین پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تحلیل روانی-تاریخی اریک اریکسون صورت گرفته و از حکایات تاریخی و روایی وارد شده درباره امام رضا (علیه السلام) و در اسناد بر ساخته پژوهشی استفاده کرده است. همچنین، با توجه به شخصیت قدسی امام رضا (علیه السلام) از روش شناسی روان شناسی دین نیز بهره گرفته است که در طی آن تجزیه و تحلیل روان شناختی پدیده‌ها، دآوری معنوی و تجربه‌های دینی اهمیت می‌یابد.

۲. مبانی نظری

از آنجاکه پژوهش حاضر به تحلیل روان شناختی و مباحث حوزه سبک زندگی به طور هم‌زمان می‌پردازد، مفاهیم و مبانی پژوهش هر دو ساحت، در ادامه می‌آید:

الف) تحلیل شخصیت

به نظر شولتز «شخصیت»^۱ از واژه لاتین Persona گرفته شده و به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش استفاده می‌کردند. وی اظهار می‌دارد که بر اساس ریشه شخصیت، می‌توان نتیجه گرفت که شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل رؤیت انسان اشاره دارد یا جنبه‌هایی از آدمی است که دیگران می‌توانند ببینند. در این صورت، شخصیت بر حسب تأثیری که بر دیگران می‌گذاریم، تعریف خواهد شد. «البته، ویژگی‌های قومی-فرقه‌ای و حتی جنسیتی در تحلیل و تفسیر ماهیت شخصیت انسان اهمیت دارند. (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۳). الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد. به طور اختصاصی‌تر، شخصیت از صفات یا گرایش‌هایی تشکیل می‌شود که به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت‌های

1. Personality.

گوناگون می‌انجامد. این صفات می‌توانند منحصر به فرد باشند، در برخی گروه‌ها مشترک باشند، یا کل اعضای گونه در آن سهیم باشند، ولی الگوهای آنها در هر فرد تفاوت دارند. بنابراین، هر کسی با اینکه به طریقی شبیه دیگران است، شخصیت منحصر به فردی دارد (فیست، ۱۳۸۸: ۱۲). اگر چه برخی آن را طور دیگری معرفی می‌کنند: سازمان پویایی از سیستم‌های روان-تنی فرد که رفتارها و افکار خاص انسان را تعیین می‌کند و یا اینکه آن را الگوی منحصر به فرد صفات شخصیتی می‌دانند (راس، ۱۳۸۶: ۱۴).

به‌طور کلی، هشت رویکرد برای ارزیابی شخصیت به کار می‌رود که عبارتند از: یک. رویکرد روانکاوی؛ دو. رویکرد نوروانکاوی؛ سه. رویکرد گستره عمر؛ چهار. رویکرد صفت، وراثت شخصیت؛ پنج. رویکرد انسان‌گرایی؛ شش. رویکرد شناختی؛ هفت. رویکرد رفتاری؛ هشت. رویکرد یادگیری اجتماعی (شولتز، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۵۶). بررسی این رویکردها مجال دیگری می‌طلبد، لکن از میان این رویکردها روش تحلیل روانی-تاریخی در نظریه اریکسون با روش اثر حاضر همخوانی دارد.

رویکرد گستره عمر اریکسون از جنبه‌های خاص شخصیت تنها به برخی مراحل رشد اکتفا می‌کند ولی دیگران الگوهای رشد کلی را فرض می‌کنند. برخی چون فروید و موری بر این باورند که شخصیت تا ۵ سالگی طی چند مرحله شکل می‌گیرد. اما یونگ معتقد است میانسالی مهم‌ترین زمان تغییر در شخصیت است. اریکسون نظریه کامل‌تر و منطقی‌تری را ارائه می‌کند و بر این باور است که رشد شخصیت در طول عمر حاصل می‌شود و رویکرد عمر در نظریه شخصیت او تبیین می‌شود. از این رو، رفتار و رشد انسان را در هشت مرحله، از تولد تا مرگ توضیح می‌دهد و اینکه تمام جنبه‌های شخصیت را طبق نقاط عطف یا بحران، تشریح می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

روش اریکسون گاهی تداعی آزاد و به‌ندرت روش زیانبار تحلیل رؤیاست. او معتقد است روش‌های ارزیابی باید متناسب و متعادل با نیازهای منحصر به هر فرد باشند. او برای ساختن نظریه شخصیت خود، از اطلاعاتی استفاده می‌کند که عمدتاً آنها را از بازی درمانی، بررسی‌های زندگی‌نامه‌ای و تحلیل روانی-تاریخی به‌دست آورده است. از

نظر شولتز غیرعادی‌ترین روش ارزیابی اریکسون تحلیل روانی - تاریخی^۱ است زیرا این نوع تحلیل از سنخ بررسی‌های زندگی‌نامه‌ای است. وی از چارچوب نظریه شخصیت خود برای توصیف بحران‌ها و روش‌های مقابله کردن شخصیت‌های مهم سیاسی، مذهبی و ادبی استفاده می‌کند. از این‌رو، اساس کار تحلیل روانی - تاریخی او ارائه تصاویر شفاهی از رهبران بزرگی چون مارتین لوتر^۲ و مهاتما گاندی^۳ است که برای انعکاس تکامل هنجارها مناسب هستند (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۶۲؛ Nelson, 2009: 159).

ویژگی این بررسی‌ها آن است که معمولاً بر بحرانی مهم تمرکز دارند؛ رویدادی که بیانگر موضوع مهم زندگی است و فعالیت‌های گذشته، حال و آینده را یکپارچه می‌کند. اریکسون با استفاده از روشی که آن را «ذهن‌گرایی منضبط» نامید، دیدگاه آزمودنی را به‌عنوان دیدگاه خودش می‌پذیرد و رویدادهای زندگی را از زاویه دید آن فرد ارزیابی می‌کند و هیچ‌گاه از آزمون‌های روان‌شناختی برای ارزیابی شخصیت استفاده نمی‌کند (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۶۲-۲۶۳). وی همچنین بر این باور است که عوامل اجتماعی و تاریخی، بر شکل‌گیری هویت خود تأثیر می‌گذارند و این به‌نوبه خود ماهیت شخصیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته او سن بحران هویت را حدود ۱۲ تا ۱۸ سالگی می‌داند که به طریقی حل می‌شود (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۶۹-۲۷۰). از این‌رو، نگارش این اثر نیز بر همین منوال پیش خواهد رفت و به‌دلیل ظرفیت اندک سیاق مقاله، تنها به برخی از ابعاد سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) پرداخته خواهد شد.

اریکسون مراحل رشد روانی - اجتماعی و نیروهای آن را بر اساس سنین مختلف دسته‌بندی می‌کند که از تولد تا ۱ سالگی (مرحله دهانی - حسی) آغاز می‌شود. سپس به ترتیب از ۱ تا ۳ سالگی (مرحله عضلانی - مقعدی)، از ۳ تا ۵ سالگی (قدرت جابجایی)، از ۶ تا ۱۱ سالگی (مرحله نهفتگی)، از ۱۲ تا ۱۸ سالگی (مرحله نوجوانی)، از ۱۸ تا ۳۵ سالگی (مرحله جوانی)، از ۳۵ تا ۵۵ سالگی (مرحله بزرگسالی) و از ۵۵ سالگی به بعد

1. Psycho Historical Analysis.

2. Martin Luther.

3. Mahatma Gandhi.

(مرحله پختگی) را می‌شمارد (شولتز، ۱۳۸۷: ۲۵۱-۲۶۰). وی مراحل رشد را این‌گونه ارائه کرده است و تأثیر فرهنگ، جامعه و تاریخ را بر شخصیت به رسمیت می‌شناسد، از این‌رو، رشد شخصیت را به هشت مرحله گذشته تقسیم کرد. تعارض در هر مرحله، فرد را با روش‌های مقابله کردن سازگارانه و ناسازگارانه روبه‌رو می‌سازد. رشد تحت تأثیر اصل اپی‌ژنتیک قرار دارد؛ هر مرحله به نیروهای ارشی بستگی دارد ولی محیط تعیین می‌کند که آیا آنها تحقق یابند یا نه.

شخصیت سالم و رویکردهای ارتقای دینی در نگاه اریکسون

تبیین اریکسون از شخصیت سالم این‌گونه است که هیچگاه به فقدان بیماری‌های فردی تعبیر نمی‌شود؛ بلکه شخصیتی را سالم می‌داند که ترجیحا دارای یکی از این ویژگی‌ها باشد: الف) اعمال فعالانه برای چیره‌شدن بر محیط (ب) ابراز احساس منحصر به فرد بودن درون خود و ارتباط داشتن با اطرافیان و ج) ادراک دقیق خود و جهان (Erikson, 1968: 91-92; 1987: 598). از سوی دیگر، فولر بر این باور است که محوریت نظریه اریکسون بر رویکرد کارکردگرایی بوده که به چگونگی انطباق با محیط می‌پردازد و اگر در فضای دین به کار رود، کارکردگرایی از پرسش‌های صحیح اجتناب کرده ولی درباره چگونگی یاری‌رساندن افراد در تکاملشان پرسش می‌کند (Nelson: 2009: 159).

زیربنای نظریه اریکسون بر سه اصل استوار است که توجه به آنها در توسعه و رشد دینی ضرورت دارد: الف) داشتن برنامه‌ای فطری برای تعالی به‌سوی تمامیت در گستره زندگی (ب) اجرای برنامه تعالی با ترتیبی خاص ذیل وظایف ویژه در شرایط مختلف (ج) ضرورت رشد مناسب در مراحل اولیه برای موفقیت. در طی این طرح هشت مرحله‌ای، فرصتی برای افزودن توانایی‌های ویژه فراهم شده که می‌تواند در طول زندگی ثبات داشته باشد (Erikson, 1964: 138-140). از میان مراحل هشت‌گانه گستره عمر اریکسون مرحله کودکی اهمیتی ویژه دارد زیرا فرصت شکل‌گیری اعتماد اصلی در دیگران و محیط را در اختیار می‌گذارد. دوره نوجوانی نیز بحرانی است زیرا در طول این دوره هویت‌مان^۱ را به

1. Identity.

شکل «احساس عینی فردی و تداوم تاریخی»^۱ ارتقا می‌دهیم. آنچه اریکسون بر آن تأکید می‌کند و همواره مهم برمی‌شمارد، احساس بهینه‌هویت است زیرا این احساس اطمینانِ درونی معنای مثبت به زندگی می‌بخشد، همچنان که شادمانی فیزیکی و روان‌شناختی را به دنبال دارد (Erikson, 1968: 17, 165) و مهم‌تر آنکه در مراحل بعدی تکامل نیز، منشأ افزایش صمیمیت، وفاداری و عشق خواهد بود (Markstrom & Kalmanir, 2001).

از سوی دیگر، هویت در بدو نوجوانی در مجموعه‌ای مرکب از محرک‌های مثبت و منفی شکل می‌گیرد. هویت مثبت^۲ ما نسبت به دیگران در اسلوب فکری که الگوی ماست، نمایان می‌شود. این نوع از هویت، به گونه‌ی سنتی به کمک جامعه ایجاد شده و در عین ارتباطات با گذشته، به سمت آینده نیز میل می‌کند (Erikson, 1968: 303, 310). اگرچه ممکن است در شکل‌گیری هویت منفی^۳ مجموعه‌ای از آرمان‌ها یا باورها را واکنشی در برابر ساختار خاصی بروز دهیم، ولی همه در موقعیت‌های منفی قرار داریم و نمی‌خواهیم مانند فرد یا گروه خاصی منفور باشیم. در موارد خاص‌تر، گروه‌های مردم با هویت‌های منفی می‌توانند درباره‌ی خود متفاوت و خاص بیندیشند که شاید تنها مردم ارزشمند روی زمین هستند (Erikson, 1987: 580). مبنای کار اریکسون این نبود که برای دین ارزشی قایل باشد، اگرچه زمانی مدعی بود که یک پیرو مسیحی است. با این همه، وی از کارکردگرایی در اثر آخر و در تحلیل روان‌شناسی-تاریخی خود درباره‌ی مارتین لوتر و مهاتما گاندی فاصله گرفت زیرا کارکردگرایی غالباً راهی برای خلاصی از تعالی است (159, 161: Nelson, 2009).

شکل‌گیری ارتقای دینی در مراحل کودکی و دوره‌ی نوجوانی، از پیش‌نیازهای نظریه‌ی اریکسون است که دو شاخصه‌ی رشد و شکل‌گیری هویت از میان آن‌ها اهمیت بیشتری دارند و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن شمرده می‌شوند. از سوی دیگر، رهیافت‌ها و کارکردهای دین با مسائل تکمیلی چون توکل قرین است. وی دین نظام‌مند را نهاد اجتماعی بزرگی

1. Sense of Personal Sameness and Historical Continuity.

2. Positive Identity.

3. Negative Identity.

می‌داند که از رهگذر آن، احساس توکل و اطمینان مجدد در آدابی نظیر نماز و شعایر فراهم می‌شود. این اعتماد، مایه ظهور تجربه دینی و نیز پایه‌ای برای امیدواری است (83,84): (Erikson, 1968). بر اساس یافته‌هایی از نظریه اریکسون، اهم نکات رویکرد او برای ارتقا و رشد سطح دینی، از چهار منظر قابل توجه است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

منظر اول؛ ارتباط دین و هویت. فلسفه موضوع نظریه اریکسون در واقع برای کشف ارتباط بین آن دو است که هویت به عنوان کانون زندگی فردی، مشابه مفهوم ایمان پاول تیلیش بود. اریکسون معتقد است در مراحل گوناگون زندگی با اضطراب‌ها و پریشانی‌هایی مواجه می‌شویم. این مستلزم رشد هویت وجودی است که از سایر وجوه هویت مجزاست. برای بیشتر مردم، منابع ایدئولوژیکی سنن دینی این گونه بود؛ ولی اریکسون معتقد بود سایر ایدئولوژی‌ها ممکن است این نیاز را برآورند. علاوه بر این، وی اعتقاد داشت گروهی از مردم با چالش‌های عصر خود روبه‌رو می‌شوند و این مسئله را مستقیماً برطرف می‌کنند و به پاسخ‌هایی فراتر از آنچه دیگران داده‌اند، دست می‌یابند. آنها نوابغ دینی چون لوتر یا گاندی هستند که راه‌های جدیدی را برای بشریت روشن می‌کنند (As cited in Nelson, 2009 :162).

منظر دوم؛ دین و معنویت. وجوهی از تجربه انسانی است که در میانسالی صفتی پایدار می‌شوند. تصور اریکسون درباره دین این گونه است که نقش ویژه حیات در بزرگسالی دارد و برای بالابردن یکپارچگی و یاری فردی که با نگرانی‌های نهایی سروکار دارد. سایر محققان طبیعت دینی، میانسالی را در اندیشه اریکسون بررسی کرده‌اند. برای نمونه، موضوعات دینی در مفهوم سازنده وی آشکار است، وظیفه میانسالی فداکردن (ایثار) خود برای حفظ نسل جوان‌تر است، آنجا که تصویر هنجاری نوع دوستانه‌ای از انسان فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش اخیر نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی افراد بسیار بالنده همچون امید راسخ، توکل و ایمان اغلب بر زیربنایی مذهبی استوارند و دیگر آنکه می‌توان بالندگی را با جستجوی جاودانگی فردی مرتبط دانست. (As cited in Nelson, 2009 :162).

منظر سوم؛ وجه اخلاقی- اجتماعی. اریکسون نظریه ارتقای خود را که با زندگی دینی

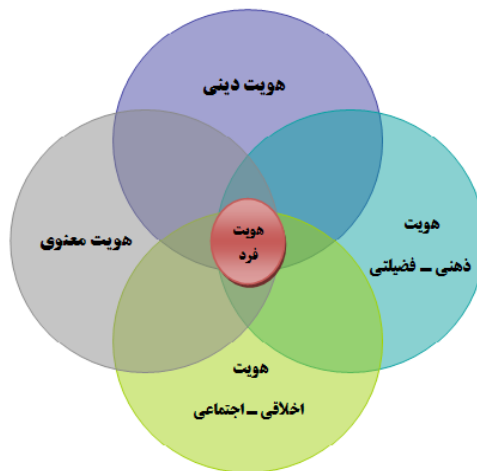
مرتبط است، بسط داد. هنگامی که الصاق غیرارادی به جزمیت اخلاقی دین را رد کرد، در این فکر بود که هر فرد به عنوان هدف نه وسیله به رشد اخلاق اصولی بر پایه تقابل و اصل کانتی از رفتارهای دیگران نیاز دارد. او می‌انگاشت این احساس اخلاقی بزرگسال، باید بر اساس یکپارچگی ایدئولوژی با وجدان در شخصیت بزرگسال پایه‌گذاری شود. وی معنای آرمان اخلاقی را با مفهوم مسیحی عشق بدون قید و شرط به جای مفهوم رسمی عدالت معادل کرد؛ همان گونه که در نظریه‌پردازان رشد پیاژه‌ای^۱ نظیر لارنس کولبرگ^۲ دریافت (As cited in Nelson, 2009: 162-163).

منظر چهارم؛ هویت ذهنی و کسب فضایل مثبت. اریکسون در کار بعدی‌اش به فضایل مثبتی توجه نمود که در هر مرحله از ارتقا نمودار می‌شوند. وی اینها را به عنوان قوای اساسی بررسی کرد که سرزندگی را برای سایر ویژگی‌های مثبت فراهم می‌کند. فضیلت‌هایی که به وسیله اریکسون به تصویر کشیده شد، از زندگی در جامعه چندنسلی گسترش می‌یابند و به طور نزدیکی با دین گره خورده‌اند (Erikson, 1964: 113-114; 1968: 232). مثلاً اریکسون باور داشت که برتری امیدواری یا «باور پایدار در رسیدن به آرزوهای پرشور» هردو بنیادی‌اند که از ایمان بزرگسالی نشأت می‌گیرد. مثلاً فضیلت وفاداری (توانایی در وفادار ماندن که آزادانه جریان دارد، برخلاف تضادهای اجتناب‌ناپذیر حاکم بر نظام‌های ارزشی است) در مرکز هویت قرار دارد و با ایدئولوژی و تصدیق دیگران حمایت می‌شود، به طوری که هردو می‌توانند به وسیله دین تأمین شوند. حد اعلای فضیلت او حکمت است که با توجه مداوم در زندگی ولی فارغ از وابستگی‌ها رابطه دارد (Erikson, 1964: 118, 125, 133). وی بر این باور است که در راستای هویت اصلی‌مان هویت ذهنی را نیز پرورش دادیم، علم به بودنمان به روش پایدار فردی تداوم را در روابط ما فراهم می‌کند. اریکسون ارتقا را رشد داد. تقریباً وجه عرفانی این تفکر در میان دست‌نوشته‌هایش بر روی «من» یا معنای الهی از آگاهی، وجود و زندگی است که با آگاهی پیش می‌رود (As cited in Nelson, 2009: 164).

1. Piagetian Developmental Theorists.

2. Lawrence Kohlberg.

جمع‌بندی نظریهٔ اریکسون این است که وی بر اساس تحلیل روانی-تاریخی از جنبه‌های مختلف شخصیت به برخی از مراحل رشد اکتفا کرده و قایل است رشد شخصیت در طول عمر و در طی هشت مرحله حاصل می‌شود. روش بررسی زندگی‌نامه‌ای او برای مطالعهٔ شخصیت افراد سیاسی و دینی کاربرد داشت. وی اصول سه‌گانه‌ای را برای بیان ویژگی‌های شخصیت سالم ارائه کرد که مهم‌ترین آن داشتن برنامه فطری برای تعالی است. شکل‌گیری ارتقای دینی در مراحل کودکی و نوجوانی، پیش‌نیاز نظریهٔ اریکسون بوده که دو شاخصهٔ رشد و شکل‌گیری هویت از میان آنها اهمیت بیشتری دارند. وی در دین نظام‌مند، از توکل و اعتماد و ایمان در شعایر و آدابی چون نماز یاد می‌کند که این توکل و اعتماد، امیدواری را در پی دارد و تجربه دینی را به ظهور می‌رساند. استواری اینها زیربنای دینی می‌طلبد و منظرهای دین و هویت، دین و معنویت، وجه‌های اخلاقی-اجتماعی هویت و هویت ذهنی و کسب فضایل مثبت شخصیت از جمله رویکردهایی است که در نظریه گستره عمر از آن سخن می‌رود. برای تطبیق و تحلیل بهتر، تصویری از رویکردهای نظریه اریکسون در شکل ۲-۱ نمایانده شده است.



شکل ۲-۱

پیکره هویت در نگاه اریک اریکسون. طبق نظریه گستره عمر اریکسون، رویکردهای او برای ارتقا و رشد سطح دینی چهارمنظر دارد و هر یک به گونه‌ای هویت آدمی را تشکیل می‌دهد. جامع این مجموعه پیکره هویت انسان است که در طول عمر طبق عوامل مهم شخصیتی نظیر ژنتیک، محیط، والدین و یادگیری رخ می‌نماید.

ب) سبک زندگی

سازمان جهانی بهداشت به عنوان ارائه دهنده ضرورت «نظریه سبک زندگی»^۱ این تعریف را پیشنهاد می کند: «سبک زندگی، الگوهای انتخابی-رفتاری متناوبی هستند که به حسب موقعیت های اجتماعی-اقتصادی انسان ها بوده و آسایشی را در اموری که قدرت بر انتخاب دارند، در دسترس آنان قرار می دهد.» (World Health organization (WHO), 1986: 118). درباره سبک زندگی تعریف های مختلفی ارائه شده، اما بر اساس متون موجود از دو منظر قابل تعریف است:

منظر اول؛ سبک زندگی به عنوان پدیده ای اجتماعی-فرهنگی است (855-845 : World Health organization, 1986: 117-124; Dean, et al, 1995). بر مبنای این دیدگاه، الگوهای رفتاری متأثر از زمینه ای است که فرد در آن زندگی می کند و بافت زندگی فرد با سبک زندگی او ارتباط متقابل دارند. ارزش های فرهنگی و باورها، عادت های رفتاری را که محدود یا ترغیب شده باشند، به وسیله شرایط اجتماعی-اقتصادی خاص شکل می دهند. از این رو، سبک زندگی بر الگوی رفتارها معطوف می شود.

منظر دوم؛ سبک زندگی به عنوان ویژگی فردی محسوب شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۳). طبق این نظریه، سبک زندگی شامل رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکت به سوی هدف بوده، دایره آن به وسعت یک فعالیت ها؛ (دو) علاقه مندی ها؛ سه) عقاید و باورها (نگرش ها و گرایش ها؛ چهار) اموال و پنج) روابط اجتماعی فرد است. از این رو، مؤلفه های متعدد آن که برگرفته از رویکردهای مختلف است و روابط اجتماعی در مرحله آخر مدنظر قرار می گیرد در امور ذیل خلاصه شده است: الگوهای مصرف، نوع پوشش، نحوه صحبت، نگرش ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ، روابط زناشویی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش ها، اوقات فراغت، آداب معاشرت، چشم اندازهای اخلاقی، ارزش های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، تربیت کودک و روابط با فرزندان.

1 Concept of Lifestyle.

صاحب‌نظران این حوزه، نحوه شکل‌گیری سبک زندگی در دوران کودکی، نگرش‌ها، وظایف اصلی زندگی و تعامل آنها با یکدیگر را در قالب درخت سبک زندگی نشان می‌دهند. ارزش‌ها و مفاهیم انسان‌شناختی و فلسفی را مطرح کرده و تمام زندگی را به صورت یکپارچه به تصویر می‌کشند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷). بر این اساس، آلفرد آدلر و پیروان او همچون کرت آدلر، لیدا سیچر، الکساندر مولر، سوفیا وریس، آنتونی بروک، اروین وکسبرگ، الکساندر نر، سوفیا لازارفلد، آیدا لوی، فردیناند برن بام و دیگران، به موضوع سبک زندگی پرداخته‌اند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۹). آدلر نظام روان‌شناختی خود را «روان‌شناسی فردی» نامید تا نشان دهد که تمام توجهش به درک ماهیت یگانه و کلیت فرد معطوف است، نه به این معنی که عامل اجتماعی را کم‌ارزش شمرده است.

مفهوم جدید سبک زندگی حوزه‌های مختلف علوم انسانی - اعم از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، مدیریت، مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی - را بررسی می‌کند. تمرکز اصلی و موضوع اساسی سبک زندگی در همه این شاخه‌ها رفتار آدمی است که حاصل جهان‌بینی و الگوهای پابرجای زندگی فردی یا اجتماعی اوست. در واقع، چگونه زیستن و مدل‌های رفتاری بشری، مبنای ماهیت اندیشه و ارزش‌های انسانی است که در پرتو بایسته‌ها و شایسته‌ها شکل می‌گیرد و هر قدر متعالی‌تر باشد، رفتاری وزین‌تر و خردمندانه‌تر ظهور می‌کند. این مفهوم از نظر فردی با طرز زندگی، آداب و رسوم، فکر و ذهن، ذوق و سلیقه، شخصیت و رفتار، ژنتیک و وراثت و از نظر اجتماعی با خرده‌فرهنگ‌ها، جامعه و محیط مرتبط است. از این‌رو، با مطالعه مبانی نظری سبک زندگی می‌توان مدعی شد که از پنج منظر در پژوهش‌های مختلف مدنظر قرار گیرد:

۱. سبک زندگی به عنوان مجموعه آگاهی‌های زندگی ۲. سبک زندگی به عنوان سبک تفکر و اندیشه ۳. سبک زندگی به عنوان ایجاد کننده توانایی «یادگیری نحوه زندگی» ۴.
- سبک زندگی به عنوان توانایی «حل چالش‌های زندگی» ۵. سبک زندگی به عنوان «شیوه آموزش کارکردهای زندگی».

با مطالعه الگوهای رفتاری امام رضا (علیه السلام) این اثر چقدر ارزش و منزلت می‌یابد؟ الگوهای پایدار فردی و اجتماعی، چگونه زیستن و تعامل ایشان با دیگران برای تشنگان حقیقت روشن‌گری کرده، مانند آفتابی در ضمیرش می‌درخشد و با پیروی از آن سیره ناب، سرانجام به ساحل هدایت و رستگاری می‌رسد. به دلیل اهمیت و رفعت جایگاه امام رضا (علیه السلام) در میان فرق و مذاهب اسلامی و پیوند قلبی و معنوی که مردم با حضرتش برقرار می‌سازند، ضرورت پرداختن به این مفهوم را آشکارتر می‌کند، خاصه اینکه زمین فطرت آدمی تشنه الگوسازی و نهادینه کردن خلیات انسان کامل و متعالی در وجود خویشتن است.

۳. دلیل برگزیدن امام رضا (علیه السلام) از میان سایر ائمه (علیهم السلام)

در تمدن بشری و در میان اقوام و ملل مختلف، تعداد ماه‌های سال را در هر تقویم (شمسی، قمری و میلادی) و حتی ماه‌های رومی رومیان قدیم، دوازده شمرده‌اند. قرآن کریم نیز ضمن صحنه‌گذارن بر این قاعده بشری و عرفی، تعداد ماه‌ها را نزد حق تعالی از زمان خلقت آسمان و زمین در کتاب تکوین و تشریع که در جایگاه عقل و لوح محفوظ منعکس است، دوازده ماه بیان می‌کند. مفسران عامه و خاصه ذیل کریمه با عظمت «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ» (توبه/۳۶) بیان کرده‌اند از میان این ماه‌ها در تقویم قمری چهار ماه ذی‌القعده، ذی‌الحجه، محرم و رجب حرمت بیشتری دارند؛ یعنی اگر کسی در این چهار ماه فعل سزا و نیکی انجام داد اجر او مضاعف است و اگر نافرمانی اتفاق افتاد، عذاب او نیز مضاعف است (طبری آملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۹-۹۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۳۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۳۰-۱۳۱). گویا خداوند برای مهمانی عظیمی که در حج بنا نهاده حرمت خاص‌تری قرار داده است؛ زیرا اصل عمل حج که در ماه ذی‌الحجه انجام می‌شود موجب تقویت دین^۱ برشمرده شده است (طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۳). حتی در زمان

۱. وَالْحَجَّ تَشِيدُ لِلدِّينِ.

جاهلیت نیز حرمت این ماه‌ها را نگه می‌داشتند و از جنگ و جدال پرهیز می‌کردند. این ظاهر آیه مبارکه بود، اما تأویل و تفسیر آن را اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که باطن این آیه ما هستیم؛ همانا ما ائمه دوازده گانه‌ایم و در میان ما برای چهار امام حرمت خاص وجود دارد، این چهار امام دین قیّم‌اند و باید به امامت همه اقرار کرد، همه امام مفترض الطاعه هستند تا هدایت یابیم و به حق واصل شویم (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۲۳۹-۲۴۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۱۵؛ زبیدی، ۱۴۲۸ق، ج ۳: ۱۱۸؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۵۷-۲۵۸). همه امام‌اند و همام‌اند، همه بزرگوارند و گرامی که در آن هیچ سخن و تردیدی نیست، از عجایب اینکه نام مبارک این چهار امام، علی است و اتفاقاً کنیه آنها نیز ابوالحسن است؛ ابوالحسن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ابوالحسن علی بن الحسین السجاد (علیه السلام)، ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام)؛ ابوالحسن علی بن محمد الهادی (علیه السلام). مهم‌تر آنکه یاعلی^۱ ندای جبرئیل است به پیغمبر گرامی در روز احد که ای پیامبر ﷺ، صدا بزن علی (علیه السلام) را در هر مشکلی که گرفتار آمدی (قیصر الأفغانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۰۸۷؛ عطار نیشابوری، ۱۳۷۶: ۴۰۱؛ لسان الملک سپهر، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۵۵).

۴. یافته‌ها؛ تحلیل روان‌شناختی سبک زندگی امام رضا (علیه السلام)

از ویژگی‌هایی که در سیره‌نامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها از نظر روان‌شناسی مطالعه می‌شود، جنبه‌های کنجکاوی، حساسیت به حقایق، ظرفیت تفکر منطقی، تنظیم دقیق احساسات و حتی اشراق را توجه می‌کنند و از این‌رو در تحلیل و تبیین شخصیت به این نتیجه می‌رسند که آن در واقع تراکم متغیرهای گسسته و جزیره‌ای فردی نیست؛ بلکه شخصیت مجموعه‌ای است پیچیده و یکپارچه که پژوهش‌های چینی به دنبال ارائه روش فهم این پیچیدگی هاست. به همین دلیل، هنگامی که اریکسون در ارزیابی‌های روان‌شناسانه‌اش به موضوعات متفاوتی چون اختلال‌های روان‌شناختی و بیماری‌ها و همین‌طور سلامت روان شخصیت‌ها به‌طور افراطی پرداخت، مورد انتقاد واقع شد خاصه اینکه در فرایند

۱. نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرُ الْعَجَائِبِ، تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي التَّوَائِبِ، كُلُّ غَمٍّ وَ هَمٍّ سَيَنْجَلِي، يُولَايَتِكَ يَا عَلِي.

این مطالعه، تجربه دینی را نادیده گرفت (Wulff, 1997: 405-408). علاوه بر این، در بخش مقدمه به نبود امکان برخی از ویژگی‌های تحلیل روان‌شناختی نظیر اختلال‌های روان‌شناختی و بیماری درباره امام معصوم به دلیل دو شاخصه مهم علم و عصمت الهی اشاره شد. نظر به اینکه سلامت روان آثار مثبت فردی و اجتماعی دارد و می‌تواند از بسیاری نقایص پیشگیری کند، به موضوعات روان‌شناختی شخصیت و توانایی‌ها و کارکردهای آن تمرکز می‌شود. قابلیت‌هایی مانند مدیریت استرس، مدیریت خشم، مهارت‌های ارتباطی، توانمندی حل مسائل و موانع، تفکر خلاقانه و نقادانه از محورهای مهم این ارزیابی است. از سوی دیگر، عناصر مهم برای تحلیل شخصیت را در سه دسته اصلی می‌توان خلاصه کرد: الف) انگیزه‌ها؛ که شامل قدرت و موفقیت شده و عامل هدایت شمرده می‌شود. ب) شناخت‌ها و باورها؛ که به نگرش‌ها و ارزش‌ها توجه دارد. ج) خلق و خو و صفات؛ که به اوصاف و ویژگی‌های درونی شخصیت تمرکز دارد.

بنابراین، آنچه از مدل تحلیل شخصیت‌ها برمی‌آید، از «تفاوت‌های فردی» نظیر سطح انرژی، جامعه‌پذیری، کنترل تکانه‌ها، ثبات هیجانی و سبک‌های ارتباط با دیگران؛ از «ویژگی‌های خلق و خو» مانند برون‌گرایی (شادخویی)، سازگاری (مطلوبیت)، پیروی از وجدان، ثبات عاطفی و تجربه‌اندوزی؛ در «سنجش انگیزه‌ها»، مطلوبیت اجتماعی و مدیریت احساسات؛ در «سبک‌های رهبری» نظیر خشم، اضطراب، افسردگی، بیانگری عاطفی، همکاری و تمایل مثبت از اهمیت بیشتری برخوردارند. برای مثال، سبک رهبری افراد شاخص و مهم در انتخاب طریقه برخورد با مسائل دشوار علاوه بر ماهیت فرایند تصمیم‌گیری مؤثر است زیرا برخی بر این باورند که سبک رهبری هر شخصیتی نتیجه و چکیده رفتارهای اولین موفقیت مؤثر رهبری اوست و اگر بتواند در طول زمان و در موقعیت‌های آینده به آن اعتماد کند، می‌تواند تقویت شود و از این‌رو، طریقه‌ای برای ارتباط با جهان اطراف خود قرار گیرد (Barber, 1977).

از آنچه گذشت، درباره سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) از نگاه اریکسون، این مطالب به دست می‌آید:

اول. اریکسون، مراحل رشد روانی- اجتماعی و نیروهای آن را بر اساس سنین مختلف بسط داده و ۵۵ سالگی به بعد را مرحله پختگی دانسته بود. با توجه به مدت عمر گوهر بار امام رضا (علیه السلام) (۱۴۸-۲۰۳ق) و با عنایت به دوران طلایی امامت ایشان- ۱۹۳ تا ۱۹۸ق - با وجود اختناق و خودکامگی های بسیار، مدیریت علمی و فرهنگی جامعه اسلامی را در مدینه عهده دار بودند، ولی امام (علیه السلام) توانستند به طور نسبی فعالیت های آزاد داشته باشند. از این رو، عمده تربیت شاگردان و نشر معارف و حقایق اسلامی در این دوره فرهنگی رخ داده است که تا آغاز خلافت مأمون به طول می انجامد (پیشوایی، ۱۳۹۴: ۴۹۵-۴۹۹). در نگاه اریکسون، این دوره در اوج بزرگسالی و پختگی یک انسان کامل واقع شده است که تمامی مراحل رشد شخصیت را در طول زندگانی و ادوار هشت گانه طی کرده است. به همین دلیل، منشأ آثار و برکات بسیار بوده و نگارنده نیز در بخش یافته ها اهم وقایع و تأثیرگذارترین حوادث فرهنگی عمر با برکت امام رضا (علیه السلام) خاصه دهه اخیر امامت شان را که عصاره و بازتاب زحمات آن دوره است، بررسی می کند.

از سوی دیگر، با دقت و تأکید بر آنچه گذشت، زیربنای نظریه اریکسون بر سه اصل استوار بود: الف) داشتن برنامه ای فطری برای تعالی به سوی تمامیت در گستره زندگی ب) اجرای برنامه تعالی با ترتیبی خاص ذیل وظایف ویژه در شرایط مختلف ج) ضرورت رشد مناسب در مراحل اولیه برای موفقیت. اکنون بهتر پدیدار می شود و انطباق مناسب می یابد که کامل ترین و برترین برنامه فطری برای تعالی به سوی تمامیت در سرتاسر زندگی همان دین الهی است و انسان را به کلمه توحید فرا می خواند. کثرات و غیر خدا را از او دور می سازد و از رهگذر اجرای احسن برنامه های دینی که شامل آموزه ها و مناسک می شود، می تواند انسان را در مسیر تعالی اش به موفقیت برساند. از این رو، آن هشت مرحله رشد، فرصتی برای افزودن توانایی های ویژه است که می تواند در طول زندگی ثبات داشته باشد و همان طور که در نظر اریکسون و در بخش تحلیل شخصیت آمد، عوامل اجتماعی- تاریخی و ژنتیک در تکامل و رشد شخصیتی تأثیر مستقیم دارند. با این مطابقت عینی، ذهن به طور ناخودآگاه به سمت الگوی انسان کامل که نمونه آن، امام رضا (علیه السلام) است رهنمون می شود زیرا هم آینه تمام نمای آن برنامه فطری است و هم شایسته ترین

کسی است که برنامه تعالی را به خوبی و کمال اجرا کرده است.

دوم. به عقیده اریکسون دین نظام‌مند، نهاد اجتماعی بزرگی است که از رهگذر آن، احساس توکل و اطمینان مجدد در آدابی نظیر نماز و شعائر فراهم می‌شود. این اعتماد، مایه ظهور تجربه دینی و نیز پایه و اساسی برای امیدواری است. در این راستا، پژوهشی در باب نسبت اخلاق و سیاست به استناد حدیثی از امام رضا (علیه السلام) عرضه می‌دارد: «جایگاه آموزه‌های اخلاقی را در شریعت نبوی از زبان امام هشتم (علیه السلام) نشان می‌دهد و به خوبی اشعار می‌دارد که ظواهر دینی و اقامه شعائر، بدون پایبندی به اصول اخلاقی نمی‌تواند معرف شخصیت دینی فرد در هر جایگاه و پست و مقامی باشد.» (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). مدعای اریکسون گویای حقیقتی است که امام (علیه السلام) تبیین کرده‌اند که علاوه بر انجام شعائر دینی و اهتمام به آنها که سرسپردگی فرد به آن دین را می‌رساند، تخلّق به آموزه‌های متعالی نظیر راستگویی و ادای امانت و اصول اخلاقی نظیر توکل و اعتماد به خداوند در مناسک دینی، امیدواری به مبدأ هستی، تجربه دینی و الهی را در زندگانی انسان پررنگ می‌کند و این از مظاهر عالیّه یک دین نظام‌مند است که هم انسان را به مراتب عالیّه معرفتی و انسانی رسانده و هم به او هویت بخشیده است.

علاوه بر اینها، قیود به کار رفته در کلام اریکسون (توکل، اطمینان به مبدأ هستی، شعائر و امیدواری) مایه هویت بخشی دینی (ارتباط با مبدأ تعالی) به انسان است که رهین پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی است و سرانجام آن تجربه دینی و نتیجه اش ایمان به خداوند خواهد بود. اگرچه اریکسون فاقد آن اشراف علمی به پیکره اخلاق عملی و نظری است و سایر مصادیق اخلاقی را نشمارده، از باب مشت نمونه خروار تنها به برخی اشاره کرده است، لکن امام رضا (علیه السلام) با استناد به کلام پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به سنگ بنای اخلاق در پیکره دین یعنی صداقت و امانتداری تأکید ورزیده و معیار دینداری را معرفی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۵۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۷۳). البته، سایر مکارم و فضایل اخلاقی موجبات کمال انسانی را فراهم می‌کند و هنگامی که از ملکات انسانی شد، هویت دینی او را می‌سازد مشروط بر آنکه آدمی مراقبه داشته باشد و خود را از رذایل اخلاقی دور بدارد (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۴۴). در نگاه مسیحیت سنتی،

کانون شخصیت را قلب^۱ می‌دانند که مستقیم به وسیله خداوند شناخته شده و باید به وجود آن و ویژگی‌هایش پی‌برد (Pannenberg, 1985: 197-224). اما در فرهنگ اسلامی مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه از برنامه‌های شبانه‌روز سالک راه خداست. انسان باید واردات قلبی خود را صیانت کند و مراقبه، نگهداری از اعمال خویشتن است (سمنانی، ۱۳۷۹: ۱۲۱). این‌گونه است که انسان سود یا زیان می‌کند. همچنین است که مراقبه را نگاه پیوسته به سوی دوست می‌دانند و تمام همت را بر دیدار او می‌گذارند (خوارزمی، ۱۹۹۷: ۲۲۹). آن بهره‌مندی روح است از نفحات و انوار الهی. خلوت کردن درون برای خدا نیز مراقبه است، این که کدام یک از خاطره روحانی حضور دارد یا خاطره شیطانی که دومی را باید نفی کند (جندی، ۱۹۹۳: ۱۰۴). ملاحظه رقیب حقیقت مراقبه است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۱۵۶) و آن حالتی برای قلب است که نتیجه آن معرفت‌شناسی است.

این هویت دینی است که در کانون زندگی فردی و اجتماعی خلاصه می‌شود و هم ایمان‌گرایی را به دنبال دارد و هم ایمان را ارتقا می‌بخشد که نتیجه توجه و عملکرد کارکردهای مصادیق دینداری است و اریکسون در منظر اول دین و ارتقای دینی (ارتباط دین و هویت) به آن اشاره کرد (As Cited in Nelson, 2009: 162). مضاف بر این، دقایق بسیار مهم دیگری سزاوار تأکید و توجه است به اینکه اریکسون در منظر اول؛ هویت دینی را به مثابه ایمان انگاشته و اظهار می‌دارد که انسان با اضطراب‌ها و پریشانی‌ها مواجه می‌شود، از این‌رو، معتقد بود سایر ایدئولوژی‌ها ممکن است این نیاز را برآورده و آن چالش‌ها را مستقیماً رفع کنند و به پاسخ‌هایی فراتر از آنچه دیگران داده‌اند، دست می‌یابند. وی در ادامه این سخن از نوابغ دینی چون لوتر یا گاندی نام می‌برد که راه‌های جدیدی را برای بشریت روشن می‌کنند. اما آفتاب حقیقت اینجاست که به نیکی جلوه می‌کند و آن گوهر ایمان است که در سرزمین انسان روشن‌ضمیر و پاک‌طینت می‌درخشد. هر قدر آدمی رنگ خلوص و پاکی‌اش بیشتر باشد، ایمانش افزون‌تر است، چون سرچشمه‌ای از انوار، اوصاف و اخلاق ربانی و الوهی در او جریان یافته، پریشانی‌ها و اضطراب‌های پیش‌آمده را به خوبی مدیریت می‌کند، زندگانی سراسر آرامش را تجربه

1. Heart.

می‌کند، حتی امواج آرامش او به دیگران نیز سرایت می‌کند و نسیم رحمانی‌اش سایرین را می‌نوازد. ایمان واقعی حلال مشکلات است، اریکسون خوب به راه درمان ایمان پی برده و ایدئولوژی دیگری را نیز برای نجات ارجاع داده است لیکن گمگشته واقعی را که همان ایمان ناب است، نیافته است. ایمان ناب را باید در سرای انسان کاملی چون امام رضا (علیه السلام) یافت؛ او که خورشید خورشیده‌هاست، از میان دوازده نور، درخشندگی‌اش چشم‌نوازتر و دل‌ربا تر است، او آینه رحمانیت و رحیمیت حق تعالی و تجلی اوصاف جمال و کمال است. هرچه از گفتار و رفتار و ملکات از او سر می‌زند، عین حق است. اصلا حق با او تعریف می‌شود و مصداق می‌یابد؛ چون جلوه کمالات او در علم الهی است که در جان او عجین شده و با منطق فطری و عقلانی که خردپذیر است رفتار می‌کند، تا آنجا که مسیحی و یهودی و زرتشتی در برخورد با او سر تسلیم فرو می‌آورند. اگرچه لوتر و گاندی رهبری از رهبران بشری هستند، هیچ‌گاه در درجات عالیه دینی و معنوی قادر به راهبری نیستند. کسانی که رنگ ایمان در نظرگاه‌شان شفافیت ندارد، نمی‌توانند آن حقیقت نوری را به دیگران بتابانند.

از این‌رو، مخاطب فهیم سلیم به‌فراست درمی‌یابد که سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) هر دو منظر سبک زندگی (پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی و ویژگی فردی) قابل تطبیق است و کلیه شئون اجتماعی، طبقات و اصناف و هر دین و مذهبی را بدون استثنا در الگوهای رفتاری در بر می‌گیرد، رفتار، افکار و احساسات فردی را نیز می‌پوشاند، فعالیت‌ها، علاقه‌مندی‌ها، عقاید و باورها (نگرش‌ها و گرایش‌ها) و روابط اجتماعی را زیر نظر دارد و به‌طور خلاصه همه مراتب دو منظر سبک زندگی را که بالاتر آمد، در اختیار خود می‌گیرد.

سوم. اریکسون هویت دینی، هویت معنوی، هویت اخلاقی - اجتماعی و فضایل مثبت را با ویژگی‌هایی برشمرد. فرهنگ غنی رضوی به‌گونه‌ای است که هم ابعاد نظری را در بر می‌گیرد و هم بر جنبه‌های عملی تأکید دارد. فرهنگ نظری بر باورها، ارزش‌ها و دانش‌ها اشراف دارد و فرهنگ عملی، نمادها و رفتارها را می‌نمایاند (آذربایجانی، ۱۳۹۵: ۳۵). اکنون با عنایت به دو جهت‌گیری فرهنگ نظری و فرهنگ عملی و حسب آنچه در

پیشینه پژوهش آمد، می توان مظاهر و مصداق های آنها را در سبک رفتاری امام رضا (علیه السلام) در میان پژوهش های مرتبط با سبک زندگی ایشان نظیر (قریشی کرین و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۷-۸۱؛ اخوان ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۷۶؛ شریفی و لطفی قادیکلای، ۱۳۹۷: ۱۸۶-۲۰۷؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۹-۵۶؛ ایروانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۲۵؛ رجبی و مطهری، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۹؛ احمدنژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۸-۱۴؛ خدیمی، ۱۳۹۳: ۹۶-۱۰۲) مطابق جدول ۴-۱ طبقه بندی کرد. روش دریافت محتوای این جدول پیش از این در بخش روش پژوهش آمد.

چهارم. طبقه بندی مصداق های سبک رفتاری امام رضا (علیه السلام) در نگاه اریکسون در واقع بر مبنای هویت مثبت فردی قابل ملاحظه است. از این رو، تقسیم هویت ها به هویت دینی، معنوی، اخلاقی - اجتماعی و ذهنی - فضیلتی، اولاً به اعتبار تقسیم رویکردهای نظریه اریکسون است و ثانیاً بر اساس زیرساخت ها و نتایج آن به شکل کنونی درآمده است. بنابراین، عصاره همه انواع هویت تشکیل همان هویت مثبت است که در قانون انسان کارآمد از بدو تولد با توجه به عوامل مهم شخصیتی نظیر ژنتیک، محیط، والدین و یادگیری رخ می نماید و تفصیل جزئیات آن درباره امام رضا (علیه السلام) مجالی دیگر می طلبد. مهم در این طبقه بندی، نهادینه شدن دو فرهنگ ارزشمند است؛ یکی فرهنگ نظری و دیگری فرهنگ عملی. اولی دایره مدار باورها، ارزش ها و دانش هاست و دومی مبتنی بر نمادها و رفتارهای بیرونی است. انسان سلیم النفس که فطرتاً به دنبال هدایت واقعی و کمال نهایی خویشتن است، نخست باید به فرهنگ نظری بیندیشد؛ یعنی از نظر ذهنی و ارزشی باورهای لازم را خردمندانه بپذیرد و دانش ها و معرفت های ضروری آن را نیز کسب کند. سپس در مرحله دوم نمادها و رفتارهای بیرونی را به مقتضای عقلانیت عرفی و اوامر و مصداق های شرعی و اخلاقی در خود نهادینه کند. ویژگی ها و ظرفیت های این ساختار، به تفصیل در مقاله مورد اشاره آمده است (آذربایجانی، ۱۳۹۵: ۲۹-۴۴).

پنجم. مصداق‌های رفتاری امام رضا (علیه السلام) از نگاه روان‌شناختی اریکسون در مطلوبیت اجتماعی و مدیریت احساسی تبلور دارد که از ملاک‌های سنجش انگیزه هستند. علاوه بر این، با مشاهده مفاد تطبیقی جدول، سبک رهبری ایشان در مواردی همکاری، در برخی شرایط تمایل مثبت و به شکل مبنایی، بیانگر عاطفه محسوس است. این موارد در عین فعال بودن و استقلال شخصیتی که مبین نفوذ و تأثیر است، ایشان را به شخصیتی کاریزماتیک بدل کرده که همواره صلح و آرامش را نوید می‌دهد و به دلیل علایق درونی و بازخوردهای محیطی، نوعی مقبولیت اجتماعی، تأیید و تحسین عمومی را به دنبال دارد (مانند حکایت استقبال مردم و نخبگان از امام رضا (علیه السلام) در نیشابور، اشتیاق طبقات اجتماعی برای اقامه نماز عید در مرو، تعامل‌های فرادینی فرهنگی و سازنده با سران ادیان و مذاهب و تفقد از مناظره کنندگان، خوشرویی با مردم و مأنوس شدن با دیگران و پرهیز از نگاه تحقیرآمیز، تواضع و مردم‌داری، خیرخواهی و کوشا بودن برای امر دیگران، سر یک سفره نشستن با غلامان و دربان). از این‌رو، به دلیل عزت نفس بالا، با سلطه، زور و قدرت حاکمانه مخالفت کرده‌اند. بدین ترتیب، از نظر انگیزه، قدرت معنوی فوق‌العاده ایشان توأم با موفقیت الهی، عامل هدایت دیگران شده‌اند، ضمن اینکه از ناحیه شناختی و باورمندی همچنان که در خلق‌و‌خو و صفات درونی شخصیت ایشان دیده شد، عناصر اصلی شخصیتی آن امام همام را ساخته است که حاکی از کارکردهای عقلانی و فطری است. تجربه‌اندوزی و ثبات عاطفی نیز از ویژگی‌های سرشتی امام (علیه السلام) است و علاوه بر این تبیین اریکسون از شخصیت سالم، دربرداشتن یکی از این ویژگی‌ها بود: الف) اعمال فعالانه برای چیره شدن بر محیط، ب) ابراز احساس منحصر به فرد بودن درون خود و ارتباط داشتن با اطرافیان و ج) ادراک دقیق خود و جهان. اکنون با توجه به مجموعه یافته‌ها^۱ و همچنین مطابق تئوری شخصیت سالم اریکسون که در اولین بند از همین عنوان در مبنای نظری ارجاع شد، روشن می‌شود که ایشان هر سه ویژگی را دارند و معیاری برای شخصیت سالم شمرده می‌شوند. سرانجام، از آنچه در سرفصل‌های فرهنگ نظری و عملی آمد،

۱. افزون بر این از مفروضات کلامی شیعی این است که امام (علیه السلام) اسوه، معصوم و حجت بر همگان هستند.

دو شاخصه رشد و شکل‌گیری هویت از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ارتقای دینی در مصداق‌های سبک رفتاری امام رضا (علیه السلام) قابل تأمل بوده و از رهیافت‌ها و کارکردهای مختلف دینی دوران زندگی ایشان فداکاری، امید و ایمان راسخ، فضایل مثبت و توکل به مبدأ هستی مثال‌زدنی است. گوهر این فضایل، حکمتی است که در وجود ایشان به ودیعه گذاشته شده است.

ششم. چنان‌که ملاحظه می‌شود، نتایج این تطبیق حاصل جزئی از اقوال، افعال و تقریراتی است که از وجود با برکت امام رضا (علیه السلام) در طول حیات پربارشان صادر شده است. این همه قبل از ظهور از مصدر امامت، محمل عقلانیت و انسانیت است؛ یعنی اگر انسانی مسیحی، یهودی، زرتشتی، بودایی، هندو و دیگر از ادیان شرقی و غربی و یا حتی یکی از فرق و مذاهب اربعه با چشم مذاقه این اعمال را مطالعه کند، ظاهراً عبارتی برآمده از متن قرآن کریم و سنت در آن نخواهد یافت، لکن به حکم فطرت، عقل، اخلاق و عرف اجتماعی بر جان و دلشان می‌نشیند و این همان باطن ولایت است که از مشرق کرامت تاییده و آن هنگامی است که جامعه، دین و افراد به‌سوی حقیقت متعالیه و خورشید هدایت رهنمون شوند و انوار هدایتش را برتابند، مشروط به آنکه تکلیف خود را با عقل و فطرت انسانی که همان روح اسلام و سرسپردگی است، روشن کرده باشند.

فرهنگ عملی (نمادها و رفتارها)	فرهنگ نظری (باورها، ارزش‌ها و دانش‌ها)	مصادق‌های سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) در نگاه اریکسون
۱. استقبال مردم و نخبگان از امام رضا (علیه السلام) در نیشابور ۲. اشتیاق طبقات اجتماعی برای اقامه نماز عید در مرو ۳. برآوردن نیازهای خانواده ۴. تعامل‌های فرداینی فرهنگی و سازنده با سران ادیان و مذاهب ۵. اهتمام به انجام مناسک (نماز، روزه و دعا خاصه ذکر صلوات) ۶. توکل مستدام در امور زندگانی ۷. شکیبایی و صبوری در سختی‌ها و مدارای با مردم (هنگام زندان بودن پدر بزرگوارشان، هنگام وداع در سفر مدینه به مرو، تحمیل ولایتعهدی، سکوت در برابر اهانت دیگران)؛ ۸. سهل‌گرفتن امور زندگی ۹. خوشرویی با مردم (مأنوس شدن با دیگران، رفت‌وآمد به منزل امام، هم‌صحبتی با امام و پرهیز از نگاه تحقیرآمیز) ۱۰. توصیه و اهتمام به نماز اول وقت با حضور قلب و به جماعت ۱۱. سبک مناظرات مؤثر و سازماندهی‌شده (مشخص کردن طرف مقابل، هدایت به بحث، احتجاج به زبان خصم، رعایت سطح فکر مخاطب، رعایت مقتضای حال، احقاق حق و حق‌مداری، کاربرست تشبیه و تمثیل، علاقه مخاطب به ادامه بحث، تفقد از مناظره‌کنندگان، استناد به کتاب و سنت) در مناظره با یحی بن ضحاک سمرقندی، جاثلیق، عمروبن هدا، عمران صابی، ثنویه ۱۲. سبک رفتار سیاسی با حاکمان (سبک برهانی، اقناعی - اسکانی، توییحی)، توجه امام (علیه السلام) به افکار عمومی و استفاده از فرصت‌های طلایی ۱۳. توصیه به تقویت ایمانی و مراقبه نفس به ابونصر بزنطی	۱. ارزش محبت و مهرورزی ۲. احترام به دیگران ۳. رعایت امور خانوادگی ۴. هدایت توحیدی و ایمان‌گرایی اقوام و ملل و دعوت به خردورزی ۵. ارتباط با مبدأ هستی و متعالی برای کسب آرامش ۶. ایجاد اعتماد و اطمینان درونی در پرتو مناسک ۷. اهتمام به سنن الهی (کتمان سر)، نبی (مدارا با مردم) و ولی (صبر در مشکلات و سختی‌ها) ۸. دوری از تکلفات ۹. احساس شادمانی و یکرنگی با مردم ۱۰. برای بهره‌مندی از آثار فردی نماز و رسیدن به تکامل فردی و اجتماعی، ایجاد آرامش، تقویت امید و نشاط در زندگی و منع ناامیدی، ایجاد رابطه بین خدا و انسان، تقویت اعتماد به خداوند، رسیدن به کمال ایمانی و سعادت، تقویت صبر و استقامت، جهت‌دهی زندگی از نظر اجتماعی، احیای امر به معروف و نهی از منکر، مانعیت از فساد و تباهی، همکاری اجتماعی، ایجاد اتحاد و یکپارچگی، رفع فقر از جامعه، تقویت مساوات و برابری ۱۱. هدایت نظام‌مند به توحید ۱۲. همدلی، بهره‌مندی از نقاط قوت و تبدیل نقاط ضعف به قوت و سپس هدایت نظام‌مند به توحید ۱۳. ایمان‌گروی و مراقبه نفس، عامل رشد و شکوفایی شخصیت انسانی در روابط اجتماعی است.	یک. هویت دینی در پرتو صفت هدایت و ایمان‌گرایی

دو. هویت معنوی در پرتو صفت وفاداری (ایثار) و نوع دوستی	۱. عدالت‌ورزی و محبت به دیگران از باب نوع‌دوستی ۲. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در راستای عدالت اجتماعی ۳. تعاون اجتماعی و همیاری با دیگران براساس کرامت ذاتی ۴. وفاداری و دوستی با مردم، مسئولیت‌پذیری ۵. کرامت ذاتی و تکوینی انسان ۶. توجه به نیازها و امور اولیه دیگران و رسیدن به آرامش و شادمانی ۷. رعایت عدالت اجتماعی و رسیدن به آرامش و خوشبختی	۱. انفاق و هبه به دیگران و احسان به دیگران ۲. یاری به ناتوانان و زیردستان ۳. خیرخواهی و کوشا بودن برای امر دیگران و تسمیه به کثیرالمعرفه و الصدقه ۴. تواضع و مردم‌داری (کیسه‌کشیدن بدن مردی در حمام نیشابور) ۵. سر یک سفره نشستن با غلامان و دربان ۶. مهرورزی و عطوفت به دیگران (غذا خوردن با خانواده و خادمان بعد در روز شهادت) ۷. یاد محرومان و درماندگان هنگام غذا خوردن و اطعام به آن‌ها؛
--	---	--

سه. هویت اخلاقی - اجتماعی در پرتو اراده جدی بر تخلق به اخلاق با نیت آرمان گرایی اخلاقی	۱. انس و هم گرایی اجتماعی؛ ۲. دوری از خشم و غضب الهی؛ احترام به دیگران؛ ۳. رعایت آداب اجتماعی؛ ۴. رعایت روابط اجتماعی مبتنی بر مکارم اخلاقی؛ ۵. کینه زدایی از دل و ایجاد آرامش و شادی؛ ۶. ایجاد و تقویت دوستی ها و دفع بلا یا؛ ۷. چگونگی مهرورزی در اداء حقوق دیگران (رعایت حقوق شهروندی اعم از فردی و اجتماعی برای ایجاد و توسعه صلح و آرامش پایدار)؛ ۸. کاهش آلام و رنج ها، راحتی قلب - رجعت و میل از ناخوشی ها به سمت خوشی های زندگی، احتراز از فرسودگی روح و روان؛ ۹. به منظور تعلیم و تربیت مناسب نسل که از جمعیت جهات پذیرفتنی و مقبول باشد اعم از پزشکی، جسمی، روحی، روانی، اخلاقی، اجتماعی، علمی و معنوی؛ ۱۰. جریان عدالت و مساوات در ارکان جامعه، رعایت اصول اساسی قانون کار؛ ۱۱. رعایت عدالت اجتماعی و هدایت به حق و قانون؛	۱. اهتمام به وضعیت ظاهری و رعایت آراستگی ۲. رعایت زیبایی ظاهری ۳. (شانه زدن، خضاب کردن، پوشیدن انگشتر و عطرزدن) ۴. (عفت در کلام داشتن، عدم تقطیع کلام دیگران، اهتمام به حاجات دیگران، تکیه ندادن در حضور اغیار، دراز نکردن پاها، به نرمی سخن گفتن با خادمان و کارگزاران، تبسم کردن)؛ ۵. مهرورزی و هدیه دادن به یکدیگر ۶. رفت و آمد با خویشان و بخشش به آنان و آزار نرساندن به آنها ۷. التزام به توصیه های دوازده گانه (التزام به تقوا، داشتن حسن خلق، معاشرت با مردم، تواضع در قبال علما و دانشمندان و اهل دیانت، رفتار با ملاطفت با زبردستان، متعهد بودن، تسریع در برآوردن حوایج دیگران، احتراز از غیبت، سخن چینی و بدخلقی با خانواده، حسن خلق با همسایگان) ۸. خوش بینی نسبت به مردم و عدم کینه ورزی ۹. توصیه به برگزیدن همسر صالح، رعایت آداب مباشرت، مجموعه مراقبت های ایام بارداری، تقید به آداب و سنن بعد از ولادت (نظیر اذان و اقامه، ختنه، نام گذاری نیکو، عقیقه، برداشتن کام با تربت حسینی، مراقبت از کودک و تغذیه مناسب، اهتمام به مراسم عبادی در خانه، آموزش احکام و معارف، ایجاد فضای مناسب تربیتی، مهرورزی، احترام به شخصیت کودکان و پرهیز از استهزا و تحقیر او، تشویق و تنبیه به جا، نظارت بر فرزندان و توجه به استقلال آنان)؛ ۱۰. توصیه به برابری همگان در حقوق اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی و شفافیت در اجرای قانون (در حکایت طی کردن مزد کارگران)؛ ۱۱. موضع گیری امام رضا (علیه السلام) در برابر زید به دلیل خروج بر مردم.
---	--	---

چهار. هویت ذهنی - فضیلتی کسب فضائل اخلاقی بر مبنای ایمان گرایی	۱. شکوه و زیبایی جامعه اسلامی ۲. تبلیغ حس زیبایی شناختی؛ مقتصد بودن و میانه روی ۳. اهتمام به امور خانوادگی ۴. فضیلت علم توحید و دفاع عقلانی و منطقی از مبانی اسلامی با حسن خلق ۵. سرسپردگی در برابر وجود متعالی و عبادت او ۶. ایجاد انگیزه و روحیه شادی مستدام ۷. دوری از تکلفات و آسایش در زندگی ۸. ایجاد آرامش و رضایت قلبی به مقدرات ۹. رسیدن به شخصیت والا و اهداف متعالی انسانی ۱۰. برآوردن نیاز جسم و روح، خشنودی و رضایتمندی از زندگی حاصل از قناعت.	۱ و ۲. پوشش زیبا و مناسب با شرایط مکانی، زمانی و اقتصادی ۳. میهمان نوازی و خدمتگزاری آنان ۴. مذاکره علم به روش احسن و تسلط بر مبانی علمی ادیان و مذاهب ۵. تفکر در امر الهی ۶. امیدواری به رحمت الهی ۷. قناعت در سراسر زندگی ۸. داشتن حس رضایت و حسن ظن به خداوند ۹. تقسیم ساعات شبانه روز به چهار بخش (مناجات، تأمین معاش، ملاقات و لذات) ۱۰. توصیه به بهره مندی از تفریح سالم و پرهیز از لهو و لعب و رفاه زدگی و مصرف گرایی.
--	--	--

جدول ۴-۱

مصادق ها و مظاهر سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) از نگاه اریکسون. در این جدول مصادق ها و مظاهر سبک رفتاری امام رضا (علیه السلام) از دریچه رویکردهای نظریه هویت اریکسون مطابق با دو منظر نظری و عملی سبک زندگی نگرین شده و طبقه بندی شده است. مشاهده می شود که هویت سازی دینی- اخلاقی و گسترش آن در طول زندگانی امام رضا (علیه السلام) همواره هدف متعالی ایشان بوده و سرانجام آن هدایت و ایمان گروی است.

نتیجه گیری

در پاسخ به پرسش پژوهش که مطالعه تحلیل روان شناختی سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه اریکسون است، نتایج زیر به دست می آید:

نخست، نظریه اریکسون بینش های ارزشمندی را می تواند برای درک مسائلی در زمینه رشد معنوی و دینی ارائه دهد یا به عنوان الگویی برای فهم مراحل و وظایف رشد معنوی به کار گرفته شود، خاصه اینکه اگر طبق روش تحلیل روانی- تاریخی زندگانی امام معصوم بازخوانی شود.

دوم، امام رضا (علیه السلام) بر اساس رویکرد اریکسون، انسانی کامل با ویژگی‌هایی منحصر به فرد است که با توجه به سرشت شخصیتی ایشان و انطباق آن با دو منظر سبک زندگی (پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی و پدیده فردی) عصاره آن قابل دقت و تأمل است.

سوم، دین اسلام کامل‌ترین و برترین برنامه فطری برای تعالی به سوی تمامیت در سرتاسر زندگی است که از سوی خدای متعال برای بشر نهاده شده و انسان را به کلمه توحید فرامی‌خواند، کثرات و غیر خدا را از او دور می‌سازد و از رهگذر اجرای احسن برنامه‌های دینی مانند آموزه‌ها و مناسک، انسان را در مسیر تعالی‌اش به موفقیت می‌رساند. امام رضا (علیه السلام) الگوی منحصر به فرد انسان کامل و آینه تمام‌نمای آن برنامه فطری است، کسی که برنامه تعالی را به خوبی و کمال اجرا می‌کند.

چهارم، وجه اشتراک میان سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) و نظریه اریکسون آن است که بر مفهوم توکل تکیه کرده‌اند. امام رضا (علیه السلام) آن را خدا ترسی معرفی کرده و از ارکان ایمان و مایه نیرومندی انسان برمی‌شمارند، اریکسون آن را از موجبات امیدواری و عامل هویت بخشی انسان اظهار می‌دارد که سبب متعالی شدن نیت هدفمند شده و انسان را از خودکامگی به خرسندی سوق می‌دهد. از این‌رو، به مدد این نظریه می‌توان نشان داد که توکل اساس امیدواری است که اجازه می‌دهد نیت هدفمند خود را تعالی بخشیم و از خودکامگی به خرسندی حرکت کنیم، وابستگی‌های خود را به زمان حال دگرگون کرده و امکان جدیدی را بگشاییم (Meissner, 1987 :186-187 ; 204-205).

پنجم، قیود به کار رفته در کلام اریکسون (توکل، اطمینان به مبدأ هستی، شعائر و امیدواری) به انسان هویت می‌بخشد که رهین پابندی به اصول اخلاقی و انسانی است و سرانجام آن تجربه دینی و نتیجه‌اش ایمان به خداوند خواهد بود. اما امام رضا (علیه السلام) در پیکره دین سنگ بنای اخلاق را صداقت و امانتداری اظهار می‌کنند و هنگامی که مکارم و فضایل اخلاقی از ملکات نفسانی شد، هویت دینی او را می‌سازد، مشروط به آنکه آدمی مراقبه داشته باشد و خود را از رذایل اخلاقی دور بدارد.

ششم، طبقه‌بندی مصداق‌های سبک رفتاری امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه اریکسون بر

مبنای هویت مثبت فردی است و اقسام هویت‌های دینی، معنوی، اخلاقی - اجتماعی و ذهنی - فضیلتی به اعتبار رویکردهای نظریه اریکسون و بر اساس زیرساخت‌ها و نتایج آن بوده است. بنابراین، عصاره همه انواع هویت همان هویت مثبت است که در انسان از بدو تولد شکل گرفته و به مرحله تکامل و پختگی می‌رسد و تحت تأثیر عوامل مهم شخصیتی نظیر ژنتیک، محیط، والدین و یادگیری قرار دارد. نهادینه‌شدن دو فرهنگ ارزشمند نظری و عملی، غایت این دسته‌بندی و نشانه کارآمدی انسان است.

از ویژگی‌های پژوهش حاضر، ارائه دو نوآوری بود: نخست، استخراج مؤلفه‌های تحلیل شخصیت طبق نظریه اریک اریکسون. دوم، تحلیل روان‌شناختی و بازخوانی سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) مطابق مؤلفه‌های نظریه اریکسون و طبقه‌بندی نتایج.

با توجه به آنچه گذشت، مخاطبان اصلی این جستار، دانشجویان، پژوهشگران و استادانی هستند که در حوزه روان‌شناسی دین، مطالعات فرهنگی، مطالعات اسلامی، دین‌پژوهی و روان‌شناسی دینی، تحقیق می‌کنند. همچنین، دامنه این مقال امامت‌پژوهان، سیره‌پژوهان، محققان حوزه سبک زندگی و در نهایت علاقه‌مندانی را در برمی‌گیرد که رهین مهر و رأفت امام مهربانی و طالب رشد معنوی و کمالات انسانی هستند.

۸۹-۱۰۶.

- خوارزمی، کمال الدین. (۱۹۹۷م). *جواهر الأسرار*. بیروت: دار الکتب العربیه.
- درینی، ولی محمد؛ نامداری جویی، احسان؛ تابان، محمد و ویسه، صید مهدی. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سرمایه نمادین مبتنی بر الگوی ایرانی-اسلامی با سبک زندگی اسلامی بر مبنای سیره رضوی». *فرهنگ رضوی*. تابستان. ش ۱۰. صص: ۷-۴۱.
- راس، آن. ا. (۱۳۸۶). *روانشناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها)*. ترجمه سیاوش جمال‌فر. تهران: روان.
- رجبی، فاطمه و مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا (علیه السلام)». *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*. پاییز. ش ۱۹. صص: ۸۱-۹۸.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۴). «اصول سبک زندگی قرآنی». *پژوهش‌نامه سبک زندگی*. پاییز و زمستان. ش ۱. صص: ۴۷-۷۷.
- زبیدی، ماجد ناصر. (۱۴۲۸ق). *التبسیر فی التفسیر للقرآن بروایه أهل البيت*. بیروت: دارالمحجۃ البيضاء.
- سایت دبیرخانه دین‌پژوهان کشور. (۱۳۹۷/۹/۱۸). «روش‌شناسی مطالعات ادیان» <<http://dinpajooohan.com/article13374.html>>.
- سمنانی، علاء الدوله. (۱۳۷۹). *چهل مجلس*. تهران: موسسه الأعلمی.
- شریعتی، سیدصدرالدین. (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. بهار. ش ۱۳. صص: ۱-۱۰.
- شریفی، عنایت‌الله و لطفی قادیکلانی، مهرعلی. (۱۳۹۷). «سبک تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت کودکان». *فرهنگ رضوی*. پاییز. ش ۲۳. صص: ۱۸۱-۲۱۱.
- شولتز، دوان، بی، شولتز، سیدنی الن. (۱۳۸۷). *نظریه‌های شخصیت*. مترجم: یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. اردن: دارالکتب الثقافی.
- طبری آملی، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- _____ (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة. قم: بعثت.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۷۶). *لسان الغیب*. تصحیح حسین حیدرخانی مشتاقعلی. تهران: سنائی.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد. (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: رضی.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی. (۱۳۸۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
- فیض کاشانی، ملاحسن. (۱۴۱۵). *محجۃ البيضاء*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- قریشی کرین، سیدحسن؛ فاضل قانع، حمید؛ فروهی، آرمان. (۱۳۹۴). «علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و سبک زندگی اسلامی در روابط اجتماعی». *فرهنگ رضوی*. بهار. ش ۹. صص: ۵۹-۸۶.
- قیصر الافغانی، شمس الدین بن محمد. (۱۴۱۶ق). *جهود علماء الحنفیه فی إبطال عقائد القیوریه*. بی‌جا (مکتبه الشامله). دارالصمیمی.
- کافی، مجید. (۱۳۹۶). «هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی اسلامی». *پژوهش‌نامه سبک زندگی*. پاییز و زمستان. ش ۵. صص: ۱۱۹-۱۴۱.
- کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. (۱۳۹۲). *ناسخ‌التواریخ*. ج ۱. تهران: اسلامیة.
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). *دین و سبک زندگی*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- _ Barber, James David. (1977). *The Presidential Character*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- _Capps, D. (1996b). Erikson's "inner space": Where art and religion converge. *Journal of Religion and Health*, 115-93 ,35.
- _Dean, K. and Colomer, C. and Perez-Hoyos, s.(1995). Research on lifestyle and health: searching for meaning. *Social Science in Medicine* 855-845 ,(6)41.
- _Erikson, E. (1964). *Insight and responsibility lectures on the ethical implications of psychoanalytical insight*. New York: W. W. Norton.
- _ Erikson, E. (1968). *Identity: Youth and Crisis*, New York, W.W. Norton.
- _Erikson, E. (1987). *A Way of looking at things: Selected Papers of Erik H. Erikson, 1930-1980*(S. P. Schlein, Ed.), New York, Norton.
- _James, W.(2002), *The Varieties of Religious Experience century edition*, London and New York, Routledge.
- _Markstrom, C. A., & Kalmanir, H. M. (2001). *Linkages between the psychological stages of identity and intimacy and the strengths of fidelity and love*. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 179-196.
- _Meissner, W. W. (1987). *Life and faith: Psychology perspectives on religious experiences*. Washington, DC: Georgetown University Press.
- _Nelson, James M. (2009). *Psychology, Religion and Spirituality*, USA, Springer.
- _Pannenberg, W. (1985). *Anthropology in theological perspective* (M. O'Connell, Trans.). Edinburgh: T & T Clark.
- _World Health Organization (Health Education Unit).(1986). *Life-styles and Health, Social Science in Medicine* 22, p.117-124.
- _Wulff, D. (1997). *Psychology of religion: Classic & contemporary* (2nd ed.). New York: John Wiley & Sons.
- _Zock, H. (1990). *A psychology of ultimate concern: Erik H. Erikson's contribution to the psychology of religion*. Amsterdam: Rodopi.